

فتودور داستایفسکی

یادداشت‌های جنایت و مکافات

تدوین، مقدمه و ترجمه از روسی:

ادوارد واسیلوک

ترجمه به فارسی:

شاهپور عظیمی



انتشارات نیلوفر

سرشناسه	داستایفسکی، فنودور میخائیلوویچ، ۱۸۲۱-۱۸۸۱م. Dostoyevsky, Fyodor
عنوان و نام پدیدآور	یادداشت‌های جنایت و مکافات/ فنودور داستایفسکی؛ تدوین، مقدمه و ترجمه از روسی ادوارد واسیولک؛ ترجمه به فارسی شاهپور عظیمی.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	ص: ۳۲۷؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	978-622-7720-38-9
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان "The notebooks for crime and punishment" به فارسی ترجمه شده است.
یادداشت	عنوان اصلی: Prestuplenie i nakazanie; neizdannye materialy.
عنوان دیگر	دفتر یادداشت‌های جنایت و مکافات.
موضوع	داستایفسکی، فنودور میخائیلوویچ، ۱۸۲۱-۱۸۸۱م — یادداشت‌ها، طرح‌ها و غیره.
موضوع	Dostoyevsky, Fyodor Notebooks , sketchbooks, etc. :
شناسه افزوده	عظیمی، شاهپور، ۱۳۴۲-، مترجم Azimi, Shapoor
شناسه افزوده	واسیولک، ادوارد، ۱۹۲۴-۲۰۱۸م Wasiolek, Edward, 1924-2018
رده‌بندی کنگره	PG ۳۳۶۰
رده‌بندی دیویی	۸۹۱/۷۳۳
شماره کتابشناسی ملی	۸۸۴۸۷۳۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی	

www.ketab.ir



انتشارات نیلوفر خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۶۱۱۱۷

فنودور داستایفسکی

یادداشت‌های جنایت و مکافات

تدوین، مقدمه و ترجمه از روسی: ادوارد واسیولک

ترجمه شاهپور عظیمی

حروفچینی: شبستری

چاپ شاهین

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

همه‌ی حقوق محفوظ است.

فروش اینترنتی: niloofarpublication.com

فهرست

مقدمه مترجم / یک

مقدمه / ۷

مقدمه: بخش اول / ۷ - مقدمه: بخش دوم / ۱۱ - مقدمه: بخش سوم / ۲۹

یادداشت‌ها: کتاب اول

یک دیدار راسکلنیکف با مارملادف در میخانه - اعتراف مارملادف / ۳۵
دو راسکلنیکف و مادرش - عشق راسکلنیکف به سونیا - اعتراف یا خودکشی - شخصیت
سونیا - نکته‌های تکنیکی / ۶۶

یادداشت‌ها: کتاب دوم / ۱۰۳

سه بخش‌هایی از گفتار مارملادف در میخانه - بهانه راسکلنیکف برای دلسوزی کردن
و ترس وی از مادرش - روابط راسکلنیکف با سونیا - تفکرات راسکلنیکف پیرامون
اعتراف، خودکشی و انجام کارهای خوب برای رستگاری در برابر ارتکاب جنایت، -
رازومیخین و زاسیموف بر بالین بیماری راسکلنیکف حضور دارند / ۱۰۵
چهار راسکلنیکف بعد از جنایت به اتاقش بازمی‌گردد - برگه احضاریه به کلانتری -
پنهان ساختن اشیای دزدیده شده - دیدار با رازومیخین - رویای راسکلنیکف / ۱۳۴
پنج رازومیخین در بستر بیماری راسکلنیکف - چگونه زن صاحبخانه سفته راسکلنیکف
را به یک شرخر داد - رازومیخین به راسکلنیکف لباس می‌پوشاند - رازومیخین و
زاسیموف درباره این قتل گمانه‌زنی می‌کنند / ۲۰۳

شش نامه داستایفسکی به کاتکف، برای نخستین مرتبه طرح داستانی «جنایت و مکافات» را به شکل اجمالی نشان می‌دهد / ۲۳۰

هفت راسکلنیکف و پورفیری - به هم خوردن رابطه دنیا و لوژین / ۲۳۵

یادداشت‌ها: کتاب سوم / ۲۴۳

هشت لوژین علیه راسکلنیکف و سونیا دسیسه‌چینی می‌کند - تصویر سویدریگایلف - تفسیرهایی پیرامون انگیزه‌های راسکلنیکف - تلاش کاترینا برای یافتن عدالت - شخصیت‌پردازی رازومیخین / ۲۴۵

نه راسکلنیکف و پورفیری - سونیا و خانواده راسکلنیکف - عشق راسکلنیکف به مادر و خواهرش - عشق وی به سونیا / ۲۶۶

ده تفکراتی در مورد چگونگی پایان رمان - راسکلنیکف درباره انگیزه‌هایش با سونیا حرف می‌زند - راسکلنیکف خودش را تسلیم می‌کند - شخصیت‌پردازی سویدریگایلف - سویدریگایلف درباره زندگی و عقایدش برای راسکلنیکف حرف می‌زند - پورفیری راسکلنیکف را تعقیب کرده، می‌گیرد و استیطاق می‌کند - راسکلنیکف آماده می‌شود تا به خودش شلیک کند / ۲۹۸

مقدمه مترجم

حدود ۱۵۵ سال پیش رمان جنایت و مکافات برای نخستین بار در نشریه پیام/اور روسی و در دوازده شماره ماهانه منتشر شد. رمان بعدها در یک جلد به چاپ رسید. این دومین رمان داستایفسکی بعد از بازگشت از تبعیدی ده ساله به سبیری بود. ایده جنایت و مکافات از تابستان ۱۸۶۵ در ذهن داستایفسکی وجود داشت. او در آن زمان مبلغ هنگفتی بدهکار بود (داستایفسکی تقریباً در تمام عمرش بدهکار بود، از آن قرضی که در برابر طلب‌هایش به دنبال تصاحب امتیاز انتشار تمام آثار او تا زمان مرگش بود تا ایوان تورگنیف که سالیان سال طول کشید تا داستایفسکی بدهی‌اش را به او بپردازد. داستایفسکی همیشه غم نان داشت، او از پول متنفر بود و آن را مانعی در برابر خلاقیت یک هنرمند می‌دانست اما شگفتا که در همان حال باید پول درمی‌آورد تا هم پاسخ طلبکارانش را بدهد و هم امرار معاش کند). انتشار هر رمان در یک نشریه می‌توانست درآمدی باشد برای ادامه زندگی، هرچند داستایفسکی دل‌خوشی از کاتکوف — ناشر این نشریه — نداشت، چرا که حاضر بود برای هر فرم چاپی آنکارزینا ۵۰۰ روبل به تالستوی بپردازد، اما مبلغی که می‌خواست برای جوان خام بپردازد ۲۵۰ روبل برای هر فرم چاپی بود.

یادداشت‌های جنایت و مکافات که اکنون پیش روی شما خواننده گرامی قرار دارد، در دهه ۱۹۳۰ در اتحاد جماهیر شوروی منتشر شدند. آن‌ها گریگوریوونا همسر باوفای داستایفسکی پیش از مرگش در ۱۹۱۸ تمامی یادداشت‌های او مشتمل بر رمان‌های جنایت و مکافات، ابله، شیاطین، جوان خام و برادران

کارامازف را در اختیار دولت وقت قرار داد که همگی انتشار یافتند اما تا دههٔ ۱۹۶۰ میلادی به انگلیسی ترجمه نشدند و از آن به بعد به تدریج یادداشت‌های هر پنج رمان به انگلیسی ترجمه و انتشار یافت. شاید این‌ها بزرگ‌ترین دستاورد ادبی این نویسندهٔ سرشناس باشد که بازماندگانش در اختیار جهان ادبیات گذاشته‌اند. یادداشت‌هایی نه به شیوهٔ یادداشت‌های آندره ژید یا هنری جیمز که با گوشهٔ چشمی به مخاطبان نوشته شده‌اند، بلکه یادداشت‌هایی که در لحظات تنهایی او نوشته شده و هرگز قصد انتشارشان در میان نبوده است. این یادداشت‌ها به یک معنا رونویسی از اوج روند خلاقهٔ داستایفسکی هستند. جوزف فرانک نویسندهٔ بهترین زندگینامهٔ داستایفسکی در نوشته‌ای پیرامون *یادداشت‌های جنایت و مکافات* اشاره می‌کند که داستایفسکی دفتر یادداشت‌هایش را جلوی می‌گذاشت و هر جایی را که خالی می‌دید، قلم به دست گرفته و شروع به نوشتن می‌کرد. با این همه یادداشت‌های حاضر از تک‌تک مراحل خلق این رمان پرده برمی‌دارند. بر اساس این یادداشت‌ها مشخص می‌شود که او در ابتدا قصد داشت رمان را با زاویهٔ دید اول شخص بنویسد که در نسخهٔ نهایی آن را به سوم شخص تغییر داد. بر اساس یادداشت‌های جنایت و مکافات مشخص می‌شود که او در ابتدا چهار زاویهٔ دید اول شخص برای این رمان در نظر داشت: اول، خاطراتی که راسکلنیکف نوشته. دوم، اعترافات ثبت شده‌اش هشت روز بعد از قتل. سوم، خاطرات روزانه‌اش که پنج روز بعد از قتل شروع می‌شوند و در آخر ترکیبی از آن‌ها که نیمهٔ ابتدایی به شکل خاطرات و در نیمهٔ دوم به شکل یادداشت‌های روزانه درآمده است. اینکه چرا او نسخهٔ ابتدایی‌اش را رها کرد به روشنی مشخص نیست. جوزف فرانک معتقد است که یک احتمال می‌تواند این باشد که قهرمان رمانش فراتر از مرزهایی رشد کرده که در ابتدا تصور می‌کرده است. *یادداشت‌های جنایت و مکافات* نشان می‌دهند که داستایفسکی با توسعهٔ طرح داستانی‌اش به تدریج از ظهور جنبه‌های تازه‌ای از شخصیت راسکلنیکف آگاه شده و ساختار رمان را براساس این دگرگونی ساخته است. فرانک معتقد است که وقتی داستایفسکی در نوامبر ۱۸۶۵ تصمیم گرفت رمان را بر اساس روایت سوم شخص بنویسد، این تصمیم را بعد از مبارزه‌ای طولانی با خودش

اتخاذ کرد، چرا که از همان نخستین مراحل تکوین رمان با آن دست و پنجه نرم می‌کرد. حجم این یادداشت‌ها که در مواردی مانند شیاطین و جوانِ خام سر به صداها صفحه می‌زند، از نکته دیگری نیز خبر می‌دهند: داستایفسکی نویسنده‌ای ژورنالیست نبود و اگر می‌گفت مجبور است سریع بنویسد و کمتر فرصت حک و اصلاح پیدا می‌کند، در واقع از کمال‌گرایی نویسنده‌ای سخن می‌گفت که پیش از نوشتن شاهکارهایش صداها صفحه وقف تغییر و دگرگونی آن‌ها کرده است. یادداشت‌های داستایفسکی بر رمان جنایت و مکافات عملکردی شبیه به ناخودآگاه دارند و درعین حال به نظر می‌رسد رمان‌نمایی را می‌توان خودآگاه او نامید. «آنچه که فروید از طریق تفسیر رؤیا به مثابه متن کشف کرد، ناخودآگاه بود، بخشی از ذهن که به‌طور اخص آرزوها و ترس‌های مربوط به جنسیت دوران کودکی همچنان در آن فعال است.»^۱ از سوی دیگر در نظام فکری یونگ ناخودآگاه به دو بخش تقسیم می‌شود، «ناخودآگاه شخصی» که محتویاتش برخاسته از تجربه زندگی فردی است و «ناخودآگاه جمعی» که جایگاه مهمی دارد و محتویات آن برگرفته از تصاویر ازلی است که در تمام دوران‌ها و فرهنگ‌ها رخ می‌دهند و تا حدی به توارث ربط پیدا می‌کنند. به عنوان جمله معترضه می‌توان گفت که قتل کارامازف پدر به دست یکی از فرزندان چه بسا برخلاف نتیجه‌گیری فروید، نه به معنای پدرکشی، بلکه به معنای تعرض به مفهوم بنیادین خداوند است که انسان از او و به دست او زاده شده اما او را بزرگ‌ترین مانع در راه رسیدن به آنچه می‌بیند که دوست دارد، از جمله عشق زمینی (به رابطه گروشنکا و عشق دیمتری و کارامازف پدر به وی توجه کنیم) محتویات ناخودآگاه به هیچ صراطی مستقیم نیستند. گاهی به شکل رگباری فرو می‌ریزند. گاهی مقتصدانه عمل کرده و به نشانه‌ها اکتفا می‌کنند. این یکی از دلایل بی‌نظمی‌های ظاهری در یادداشت‌های جنایت و مکافات است. بنابراین تغییرات در آن‌ها همواره ادامه داشته است.

1. Elizabeth Dalton, unconscious structure in *THE IDIOT*, princeton university press, 1979, pp 8.